

واژه‌های کلیدی:

رودکی، تشبیه، استعاره، صور خیال، شعر

مقدمه:

رودکی از شعرای برجسته ایران در قرن چهارم هجری و از پرمایه‌ترین شاعر سبک خراسانی است. مقلدان بسیاری از شاعران فحول پارسی‌گوی، که در دوره متأخر ظهور کردند، به اقتفای اشعارش پرداختند. برخی به این تأثر بسی مباحات می‌کردند و شیوه شاعری او را، الگوشان قرار دادند و مهارتش را در سرودن اشعار زیبا ستودند و^۱ او را به عنوان «پدر شعر فارسی» و «سلطان شاعران^۲» لقب دادند. جایگاه رودکی در عرصه شعر و شاعری بلند؛ و همت او در سُرایش اشعار کثیر، آن هم در آغاز شکل‌گیری دولت مستقل ایرانی، بعد از سرگردانی زبان فارسی دری در بردابرد هجوم زبان عربی، به عنوان زبان رسمی درباری و در دوره آغازین شعر فارسی بسیار ارزشمند و حایز اهمیت است. با گذشت روزگاران، بر اثر هجوم ویرانگر اقوام مهاجم و پیامدهای آن، به از بین رفتن منابع غنی موجود در کتابخانه‌ها ختم شد و این امر اطلاعات کافی را در باب «استاد شاعران عجم^۳» کمرنگ نمود. عدم دسترسی به منابع محکم و مستدل، وجود دشواری‌های زیاد و پراکندگی‌های منابع و دیریاب بودن بعضی از کتاب‌های موجود، سبب شد که محققان برای دستیابی به منابع دسته اول و مطمئن علاوه بر مشکلات موجود، جد و جهدی بلیغ در این امر نمایند و زمینه را برای تحلیل آثار و اشعار و بررسی در زندگی رودکی فراهم آورند. همین امر، دستمایه تحقیقات و تتبعات ادبی فراوان در کشور شده است؛ به طوری که مجموعه تحقیقات گوناگون ادبی، در قالب کتاب و مقاله و رساله در سده‌های اخیر، درباره احوال و آثار و اشعار وی انتشار یافته است؛ که از نظر کیفی درجات متفاوتی دارد، ولی در حوزه کمی درخور بحث و بررسی است.

تاکنون آثار درخور توجهی درباره آثار و احوال و اشعار رودکی از سوی استادان و

پژوهشگران انجام شده و به چاپ رسیده است که می‌توان آن‌ها را به دو شکل طبقه‌بندی کرد: گروه اول، آثاری که به بررسی محیط و احوال و افکار و آثار و شرح اشعار پرداختند؛ از جمله اثر ماندگار مرحوم سعید نفیسی (دیوان، ۱۳۸۲) درباره احوال و محیط زندگی رودکی، و اثر دکتر احمدنژاد (رودکی، ۱۳۷۵) درباره شرح دشواری‌های اشعار رودکی و مجموعه مقالات با عنوان **یاد یار مهربان** (۱۳۸۵) را می‌توان نام برد.

دسته دوم آثاری که در زمینه علوم بلاغی و درباره سبک شعر شاعر نوشته شد. این دسته از آثار مبحثی از مباحث کتاب را بدان اختصاص دادند، از جمله **صور خیال** اثر شفیعی (۱۳۸۲) و **سبک‌شناسی شعر** اثر محجوب (۱۳۷۵).

با این وصف، درباره بررسی اشعار رودکی به لحاظ فنی و گونه‌های صور خیال به شکل مستقل، در طول سالهای اخیر به طور موضوعی و یا به طور کلی درباره مهارت رودکی در کاربرد تصاویر بیانی و تبیین گونه‌ای از گونه‌های تخیلی انجام نشده است. با توجه به اینکه زبان هنری رودکی در اشعار، و استفاده استادانه وی از علوم بلاغی و تصویرهای بیانی، به ویژه استفاده از تشبیهات بدیع - آن هم به طور گسترده - در شعرا عجب برانگیز است، نگارنده ترغیب شد تا بار دیگر اشعار وی را از دیوان مصحح نفیسی و از دیدگاه صور بیانی بررسی کند. در بررسی‌های انجام شده، تشبیه از مهمترین عنصر بیانی بود که در اشعار رودکی کاربرد بیشتری را از دیگر صور خیالی به خود اختصاص داده است. از طرفی، اکثر کتب، که در زمینه علوم بلاغی نوشته شده اند، بعد از دوره رودکی، به ویژه در دو قرن ششم و هفتم بوده؛ لذا این امر سبب شده است تا کاربرد تشبیهات زیبا در اشعار رودکی بررسی گردد. در ابتدا ذکر مقدمات و تعاریف درباره تشبیه - که در اکثر منابع بیانی آمده - به جهت پرهیز از تکرار خودداری شد. با توجه به منابع موجود در کتابخانه‌ها و با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی، نمونه‌هایی از اشعار رودکی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. تردیدی نیست که همه پژوهشگران، از تحقیق در باب رودکی، به ویژه بررسی

اشعارش، به این نکته اعتراف دارند که برخی از اشعار مضبوط در دیوان رودکی، از آن شاعر نیست، بهترین دلیل اندک بودن تحقیقات در این زمینه، آن است که هنوز در انتساب برخی از اشعار به رودکی تردید هست. تذکره‌نویسان و پژوهشگران در مجال محدود، معرفی هنر شاعر را با وجود هزاران هزار بیت که از وی در دواین و تذکره‌ها ذکر شده است، تنها کمتر از هزار بیت در دیوان درج شده، قناعت ورزیدند، اعتماد و استناد به همه آن‌ها جای تردید است؛ و از طرفی با علم به اینکه اسناد معتبر و قابل توجهی در این زمینه وجود ندارد، پس چاره‌ای نیست جز اینکه تحقیق در باب رودکی علاوه بر اندک مطالب مانده از متون تاریخی، و نیز پاره‌ای از اطلاعات، که در تذکره‌ها و متون تاریخی و ادبی به صورت پراکنده موجود بوده، گردآوری نمایند.

بناچار باید به اشعاری که از شاعر برجای مانده است، توجه کرد و این امر خالی از اشکال نیست. محجوب در این باره آورده: «البته بزرگترین تعداد شعری که از شاعران این زمان (سامانی) به دست داریم، از آن ابوعبدالله... رودکی است که به نهصد و بیست نمی‌رسد و همین اندک مایه، نیز بسیاری شعرها به شاعران دیگر نسبت داده شد.» (محجوب، بی تا، ۱۷). درباره صحت همه اشعار به رودکی جای تردید باقیست؛ به قول شفیعی کدکنی «اولین دشواری در برابر کسی که بخواهد از چگونگی تصویرها و خیال‌های شاعرانه در دیوان رودکی سخن بگوید، مسأله انتساب ابیات و عدم انتساب آن‌ها بدوست (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰، ص ۴۱۴).

اگر فرض را بر تعدادی از اشعار باقیمانده رودکی بگذاریم چه انتساب و عدم انتساب آن مطرح باشد، می‌توان به معلومات و مهارت بی‌شائبه شاعر در انواع قالب‌های شعر فارسی و مضامین گوناگون و متنوع آن پی برد. دقت و ظرافت او در کاربرد تصاویر زیبا، که الهام گرفته از محیط زندگی شاعر بوده، علاوه بر آن، چیره‌دستی‌های وی را در آرایش کلمات دیدنی نموده است. بررسی‌های به عمل آمده نسبت به آثار موجود، که به وسیله استادان بلاغت^۴ انجام گرفته، نشان دهنده قدرت رودکی در کاربرد صور خیال است؛ به طوری که تسلط او را در کاربرد علوم بلاغی بی نظیر دانسته و

ستوده‌اند. با اینکه شعر فارسی در آغاز راه بود و مسیر پرفراز و نشیب را طی می‌کرد و به دوران تکاملش نزدیک می‌شد، سعی و تلاش شاعر در کاربرد زیباترین الفاظ و ملموسترین تصاویر طبیعی، مثال‌زدنی است.

این مقاله قصد دارد تا یکی از ارکان صور خیال در اشعار رودکی با عنوان، «تشبیه» را مورد بحث و بررسی قرار دهد. با تورقی چند در ابیات، در می‌یابید که تشبیه یکی از پرکاربردترین عناصر بیانی و از محوری‌ترین صوری است که در اشعار رودکی بطور گسترده به کار رفته است.

چنانکه اشاره گردید در دوره رودکی شعر فارسی سابقه‌ای ندارد. براساس بررسی‌های به عمل آمده، از شاعران دوره اول؛ یعنی دوره صفاری چندان اشعاری باقی نمانده است. بنابر تحقیقات انجام شده «حدود ۵۸ بیت شعر ثبت و ضبط شده است» (شمیسا، ۱۳۷۳، ص ۲۱). شعر در این دوره، ساده و روان است و تشبیهات به کار رفته بسیار ابتدایی‌اند و از تنوع چندان خبری نیست، اما در دوره سامانی، حمایت پادشاهان از شاعران و توجه ویژه اولین دوره حکومت مستقل ایرانی به زبان فارسی، سبب رونق شعر و ادب در این دوره گردید. این امر موجب شد تا پایه و اساس شعر و شاعری و نویسندگی در دربار گذاشته شود. تنوع تشبیهات و حضور فعال عناصر طبیعی در سروده‌های شاعران و تحرک و پویایی تصویرها، اشعار این دوره را پر جاذبه کرده است. تسلط بر کلام و استفاده از تجربه و قدرت تحلیل تصاویر دریافتی از طبیعت، و کاربرد آن به عنوان طرفین تشبیه، چنان لذتی را نصیب خواننده می‌کند که سرشار از همه هستی می‌شود. رودکی از بزرگترین شاعران معروف قرن چهارم هجری است که از راه تصاویر، تعابیر هنرمندانه را با استفاده از عناصر طبیعت در شعرش به کار برده و آن را با طراوت ساخته است. بدیهی است که از راه تشبیه، شاعر به طبیعت نزدیکتر می‌شود و آنچنان با اشیا به طور مستقیم ارتباط برقرار می‌کند که گویا حس «یکسانی» که در قبال استعاره به دست می‌آید، رنگ می‌بازد و همسانی تشبیه زیباتر جلوه می‌کند و دلنشین‌تر می‌شود و خواننده در اوج لذت، حضورش را در میان طبیعت احساس

می‌کند. با اینکه این دوره در ابتدای کاروان شعر فارسی قرار گرفته، شاعر معانی و مفاهیم بدیع را از سر ذوق و طبع لطیف و با دقت فراوان در اشعارش گنجانده، که اعجاب معاصران و متأخران را برانگیخته است؛ تا جایی که شاعران فحول دوره‌های بعد او را پیش کسوت شعر و شاعری دانستند و از سبک شاعری وی پیروی کردند. دکتر صفا در شرح حال رودکی آورده: «عنصری با همه استادی خویش به قصور خود در غزلسرایی نسبت به رودکی اعتراف کرده»:

غزل رودکی وار نیکو بود غزل من رودکی وار نیست

(صفا، ۲۵۳۶، ج ۱، ص ۳۷۲)

این امر یکی از رازهای ماندگاری شعر این شاعر پرآوازه در ایران شده است. تأثیر کلام او در جان خواننده و بهره‌گیری مستقیم شاعر از طبیعت بکر، بر کسی پوشیده نیست. طبیعتاً رودکی با ذوق حساس و طبع خدادادی که داشته، از عهده چنین توصیفات به زیبایی بر آمده است. برای نمونه، به شعر زیر توجه کنید:

شب عاشقت ليله القدر است چون تو بیرون کنی رخ از جلیب

به جحاب اندورن شود خورشید گر تو برداری از دو لاله جلیب

(ب ۷-۵۶)

با توجه به بررسی انجام شده، صور خیال در شعر رودکی نسبت به دیگر اشعار شعرای عصر او بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در میان گونه‌های خیال، عنصر تشبیه بیشتر از عناصر دیگر بیانی به کار رفته است.

وی با آزادی تخیل توانسته تصاویر بسیار زیبا و دیدنی را بر اثر ارتباط مستقیم با طبیعت در زمینه‌های گوناگون خلق کند و اشعارش را از زاویه عشق و احساس به طبیعت بسراید، تا حدی که در دوره‌های بعد در شعر شاعران مورد توجه و تکریم قرار بگیرد.

یکی از برجسته‌ترین خصوصیت شعر رودکی، جنبه تفضیلی تصاویر است که در فضای چند مصراع بیان می‌شود. روشن است که تصاویر از امور طبیعی و محیط زندگی شاعر سرچشمه می‌گیرند. خراسان عهد رودکی محیط زندگی اش بود و نگاه شاعر به

طبیعت ویژه. این امر سبب ورود طبیعت به شعر شاعر و رنگارنگی تصاویر و آفرینش نو از مضامین عینی بوده است، به همین جهت، جنبه انتزاعی تصویرها در اشعارش بسیار محدود است. البته، در دوره‌های بعد، این امور گسترده می‌شود و شاعران در پی ایجاد روش‌های جدید برای بیان تصاویر در شکل‌های مختلف هستند. در این مقاله فرصت آن بحث نیست. به هر شکل، سادگی و روانی اشعار رودکی و کاربرد آرایه‌های لفظی و معنوی به همراه صور خیال در حد متعارف سبب جذابیت اشعار او گردیده است. وی از هر عنصری برای انتقال مفاهیم ذهنی خود استفاده می‌کرده تا اشعارش را زیباتر و پر جذبه و دل‌انگیز و خواندنی نماید. بهره‌مندی شاعر از موسیقی و کاربرد درست و بموقع آن، افزون بر اطلاعات وی و ذوق سرشار و لطیف او، سبب شده تا موسیقی شعرش، فوق‌العاده حساس و زیبا جلوه کند. این امر در اشعارش تأثیر بسزایی گذاشته است. از این رو، در همه موضوعهای شعر با مضامین گوناگون با قدرت ظاهر گردیده است. یکی از مهارت‌های او بیان مفاهیم عالی و رنگین و طبیعی در قالب‌های اشعار، به ویژه در قالب قصیده - که زمینه بروز احساسات او بوده - خوش درخشیده است، برای نمونه، قصیده معروف «بوی جوی مولیان»، که به قول چهار مقاله‌کسی تا آن زمان نتوانسته به خوبی از عهده تقلید این قصیده برآید (نظامی عروضی، ۱۳۲۷، ۳۴) البته، همچنان بدون تقلید باقی مانده است. در این قصیده بی‌مانند، تصاویر زیبا موج می‌زند. خلق معانی و پرنیانی بودن الفاظ با درشتی‌های ریگ‌های آموی در برابر خلق و خوی تند پادشاه و تصاویر ماه و آسمان، دیدنی است؛ به طوری که نگاه‌ها بر روی الفاظ می‌لغزد.

اکنون نمونه‌هایی از این تصاویر تشبیهی زیبا بررسی می‌شود.

قبل از ذکر انواع تشبیهات، لازم است به برخی از ابعاد تشبیه در اشعار رودکی اشاره گردد و جوانب آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

شعر رودکی علاوه بر مدح و ستایش به پند و اندرز توجه دارد. از آنجا که تشبیهات

در شعر رودکی تشبیه صرف نیست، تابلویی از تعلیم و اندرز است:

جهان‌آچه بینی تو از بچگان که گه مادری و گاه مادندرا
(ب ۷)

و یا در این ابیات که تابلویی از معرفت و زندگی است:

این جهان را نگر به چشم خرد نی بدان چشم کاندرو نگری
همچو دریاست وز نکو کاری کشتی ساز تا بر آن بگذری
(ب ۵۱۰-۱۱)

تشبیهات رودکی عینی و طبیعی است. ارتباط مستقیم شاعر با طبیعت، سبب شده است تا طبیعت به طور مستقیم در اشعارش، زنده و پویا، حضوری فعال داشته باشد. به عبارت دیگر، تنوع مضامین در اشعارش مثل تنوع عناصر در طبیعت است.

دریا دو چشم و آتش بر دل همی فزاید مردم میان دریا و آتش چگونه باید؟
(ب ۲۳۲)

یخچه^۵ می بارید از ابر سیاه چون ستاره بر زمین از آسمان
(ب ۴۶۱)

همان طور که بیان شد، تشبیه در اشعار رودکی از اصلی‌ترین گونه تصاویر است و اکثر عناصر تشبیهات به کار رفته در دیوان او از طبیعت گرفته شده است. این امر حاکی از توجه شاعر به محیط زندگی و تجارب بالای اوست. در این بررسی به این نتیجه می‌رسیم که اساس هر تشبیه، از طبیعت و محیط اطراف خود شاعر است. از این رو، تشبیهات حسی و عینی، در اشعارش فراوان دیده می‌شود. از این نوع نمونه‌های بسیار می‌توان از دیوان او ذکر کرد. در مقابل، تشبیهات «امور انتزاعی» در دیوان او کم است.

رفیقا چندگویی کونشاطت؟ بنگریزد کسی از گرم آفروشه^۶
مرا امروز توبه سود دارد چنان چون دردمندان را شنوسه^۷
(ب ۴۸۹-۴۹۰)

ملاحظه کردید که شاعر توبه را برای خودش، مثل عطسه برای مریض سودمند می‌داند. در این دوره توجه شعرا به امور انتزاعی بسیار کم است. این امر در دوره‌های

بعد، به اوج می‌رسد و می‌توان گفت که یکی از دلایل تغییر سبک از طبیعت‌گرایی به عقل‌گرایی همین بوده؛ خلاصه در اشعار رودکی - چنانکه اشاره گردید - تشبیه امور عقلی به عقلی بسیار نادر است. اگر صحت این بیت به شاعر درست باشد، می‌توان آن را به عنوان نمونه امور عقلی ذکر نمود:

تقدیر به عزم تیز گامت ماند روزی به عطا دادن عامت ماند

(ب ۵۹۲)

به نظر می‌رسد که این شعر از رودکی نباشد، بلکه یادآور اشعاری از ازرقی باشد که شمس قیس در مبحث تشبیه از آن بحث کرده است: «پیچیدن افعی به کمندت ماند» (شمس قیس، ۱۳۷۳: ۳۰۷)

تشبیه اولین و ساده‌ترین طریقه تفنن در بیان معنی است. علمای بلاغت تشبیه را استعمال لفظ در معنی حقیقی دانسته‌اند که قصد گوینده توصیف است و تعریف (زرین کوب، ۲۵۳۶، ص ۵۵-۵۴). وقتی قصیده دندانیه و یا قصیده مادرمی را، که طولانی‌ترین قصیده در دیوان رودکی محسوب می‌شود، می‌بینیم، نمونه‌ای کامل برای بیان معانی مهم و عالی است که شاعر مفاهیم زیادی را در قالب توصیف بیان کرده. بدیهی است که مهارت هر شاعر در تشبیهات اوست و روشن است که تشبیه به زیبایی اشعار می‌افزاید و این امر یکی از اسباب شهرت شاعر می‌گردد. قدرت و مهارت رودکی، در توصیف و تشبیه کم نظیر است. نکته ظریف اینجاست این همه تشبیهات زیبا و آن هم حسی به حسی، همه حکایت از بهره‌مندی شاعر از نعمت بینایی است تا با دیدن صحنه به ترسیم آنها پردازد.

پوپک دیدم، به حوالی سرخس بانگک، بر برده به ابر، اندرا

چادرکی دیدم، رنگین برو رنگ بسی گونه، بر آن چادرا

(ب ۶ و ۵)

البته، باید گفت که نگارنده در پی این نیست تا بینایی یا عدم آن را اثبات کند، و با این روند نمی‌شود به اختلاف چندین ساله محققان و پژوهشگران خاتمه داد، ولی از ظواهر

امر پیداست که در امر تشبیه، حس دیداری در ترکیب رنگ‌ها و توصیف آن با مصداق عینی حالت ویژه‌ای دارد تا بتوان آن را توصیف کرد؛ هر چند مرحوم فروزانفر در مقاله «شعر و شاعری رودکی» بیان فرمودند: «رودکی بدون هیچ گونه شک کور مادرزاد بوده و هرگز جهان و صور حسی را به چشم ظاهر مشاهده ننموده است» (دهباشی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷).

با تورقی چند در اشعار رودکی می‌توان فهمید که رنگ در اشعار شاعر حضور فعال دارد و این امر خود ما را به بینایی شاعر در ابتدای زندگی او راهنمایی می‌کند. بدیهی است رنگ‌گرایی در اشعار این دوره و با توجه به سبک خراسانی، که بر اصول طبیعت و آفاق‌گرایی است، از ویژگی‌های سبکی می‌تواند به شمار آید.

من موی خویش را نه از آن می‌کنم سیاه تا باز نوجوان شوم و نو کنم گناه
چون جامها به وقت مصیبت سیه کنند من موی از مصیبت پیری کنم سیاه
(ب ۶-۴۸۵)

و یا:

پشت کوژ و سر تویل^۸ و روی بر کردار نیل ساق چون سوهان و دندان بر مثال استره
بر کنار جوی بینم رسته بادام و سرو راست پندارم قطار اشتران آبراه
(ب ۸-۴۸۷)

همان طوری که ملاحظه فرمودید، رنگ و عناصر دیداری در سروده‌های رودکی فراوان دیده می‌شود و این از حس بالای رودکی حکایت می‌کند.

بعضی از تشبیهات رودکی از کهنترین تشبیهات و حتی استعارات شعر فارسی محسوب می‌گردند که بعداً مورد تقلید شاعران پارسی‌گوی قرار گرفت؛ برای مثال، تشبیه رخ به گل (ب ۵۱۳)، لاله (ب ۴۶) برگ یاسمین (ب ۱۶)، ماه دو هفته^۹ (ب ۹۳۵)، گل و نسرين (ب ۸۳۰) و تشبیه دهان معشوق به نیم‌دانه انار (ب ۷-۱۳۶) و تشبیه غم به سپاه (ب ۵۲۴). این‌ها از نمونه‌هایی هستند که در دواوین شعرای پارسی‌گوی به کار رفته است. با این وصف، بعضی از تشبیهات رودکی بدیع و غریب است که از این شاعر بر جای مانده است:

ابرو کشتی و چین پیشانی موج گرداب بلا غنّب و چشمت طوفان
(ب ۶۳۲)

روی دریای چین و لعلت مرجان زلفت عنبر صدف دهن در دندان
(ب ۶۳۱)

تکرار مشبه به یکی دیگر از ویژگی‌های تشبیه در اشعار رودکی محسوب می‌گردد. واژه دریا به عنوان مشبه به چند بار استعمال شده و امور مختلفی را به آن تشبیه نموده است، از جمله جهان (ب ۵۱۱) و حسن و زیبایی (ب ۶۳۱)...

نکته دیگر اینکه، اساس تشبیه در اشعار رودکی بر اغراق و تخیل است و مفاهیمی را که از طبیعت گرفته شده، با کمک اغراق به زیبایی می‌توان در قالب تشبیهات جای داد. بر همین اساس، تشبیهات وی از خیالات پاک و صاف برخوردار است. به عنوان نمونه قصیده زیر را می‌توان ذکر کرد:

میر ماهست و بخارا آسمان ماه سوی آسمان آید همی...
میر سرو است و بخارا بوستان سرو سوی بوستان آید همی
(ب ۹-۵۳۸)

چنانکه ملاحظه فرمودید، در ابیات فوق مشبه‌ها متعدد و مشبه یکی است و این امر می‌تواند یکی از ویژگی‌های تشبیه در اشعار رودکی باشد. رودکی گاهی مشبه را مکرر در ابیات با مشبه‌های متفاوت به کار می‌برد؛ یعنی مشبه یکی است و به کرات تکرار می‌شود، در حالی که مشبه‌های آن تغییر می‌کند.

گاهی دیده شد که در ابیات تشبیه وجود ندارد، ولی اغراق در آن به حدی زیباست که خواننده محو معانی آن می‌گردد:

شاهی که به روز رزم، از رادی زرین نهد او به تیر، در پیکان
تا کشته او از آن، کفن سازد تا خسته او، از آن کند درمان
(ب ۷-۴۵۶)

در نظر علمای بلاغت^۱ یکی از شروط تشبیه این است که تشبیه باید معقول و

مقبول؛ و مشبه به اجلی و اعرف باشد. اکثر تشبیهات رودکی از این دسته‌اند. در دیوان رودکی تنها یک مورد تشبیه نامعقول دیده شده است. شاعر در بیتی نشستن خود را به نشستن کلاغ تشبیه نموده است که البته این امر در نزد علمای بلاغت مطبوع نیست و از ارزش اعتبار تشبیه می‌کاهد. در کتب بلاغت از جمله **اسرار البلاغه** این شکل از تشبیه مطرود است و شرح آن در ذیل عنوان «وارون کردن تشبیه» (جرجانی عبدالقاهر، ۱۳۷۰، ص ۳۷) آمده که این نوع از تشبیه؛ یعنی مشبه به احقر و اضعف باشد تشبیهی عمومی است که از مبالغه بهره‌ای ندارد. در بیت ۲۶۵ همین کتاب، شاعر خورشید تابان (مشبه) را به سکه (مشبه به) تشبیه نموده، یا در بیتی دیگر (بیت ۲۲۶، ص ۱۳۸) صبح را به چهره خلیفه «و بدأ الصبح کان غرته...» تشبیه نموده و یا در جای دیگر آورده که «والصبح فی طره لیل مسفر کانه غره مهر اشقر» صبح از میان گیسوان شب هویدا بود گویی که سپیدی پیشانی اسب سرخ و سیاه را می‌مانست (همان، ب ۲۲۶: ۱۲۷). این صورت تشبیه صبح به سپیدی پیشانی اسب نیز روا نیست، زیرا صبح نیز به داشتن وصفی که در تشبیه آن به سپیدی پیشانی شده مخصوص تر و روشتر است... (همان ص ۱۳۶).

در بیتی از رودکی آمده:

بود اعور و کو سبج و لنگ و پس من
نشسته برو چون کلاغی بر اعور
(ب ۲۴۶)

از این دست تشبیه، که ترک ادب اجتماعی و فردی است، در سروده‌های متأخران دیده می‌شود و چندان مطبوع - جدای از سبک و مشرب خاص - به نظر نمی‌رسد. برای نمونه: عراقی همدانی (۶۸۸-۶۱۰ هـ.ق) در غزل معروف خود سروده:

زدو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی
چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی؟
همه شب نهاده ام سر چو سگان بر آستانت
که رقیب در نیاید به بهانه گدایی
(دیوان ص ۱۸۵)

شاید این تواضع عراقی از مکتب ملامتیه باشد!
از نکات دیگر اینکه، شاعر در ساختار تشبیه از «حروف» استفاده کرده، به طوری که

بر زیبایی تشبیهات او افزوده شده است. برای مثال، ابیات زیر را می‌توان ذکر کرد:
 زلف ترا جیم، که کرد آنکه او خال ترا، نقطه آن جیم کرد؟
 و آن دهن تنگ تو گویی کسی دانگکی نار به دو نیم کرد
 (ب ۷-۱۳۶)

این نوع تشبیه، تشبیه حروفیه است که در ادبیات عرب سابقه دارد؛ چنانکه انونواس در توصیف منقار باز «منقار پرنده را به حرف جیم که با دست چپ نوشته شود، مانند کرده است» (اسرارالبلاغه، ص ۱۰۵).

گاهی اوقات تشبیهات زیبا با استعاره همراه می‌شود. این امر طراوت خاصی به شعر می‌دهد و تشبیه را نو و غریب می‌کند. در «فن بیان به آن تشبیه در تشبیه می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۷۱، ص ۱۱۵) و یا تشبیه سفیدی صبح به سپیدی پیشانی است.

تا خوی ابر گل رخ تو کرده شبنمی شبنم شدست سوخته، چون اشک ماتمی
 (ب ۵۳۰)

شبنم در مصراع دوم استعاره از (اشک) است و یا:

میر ماهست و بخارا آسمان ماه سوی آسمان آید همی
 (ب: ۵۳۵)

یکی از خصیصه‌های تشبیه این است که اغراق و تخیل داشته باشد. اغراق و تخیل تشبیه را زیبا می‌کند و بر لطافت آن می‌افزاید و آن را از ابتذال دور می‌سازد.

زرین کوب درباره غرابت تشبیه آورده: «لطف تشبیه در غرابت است و دوریش از ابتذال، به ویژه وجه تشبیه امری باشد که زود به خاطر نرسد و تا حدی پوشیده باشد و خاطر شنونده به کمک پویه و تقلایی ذهن بکوشد تا آن را به دست بیاورد (زرین کوب، ۲۵۳۶، ص ۵۹-۵۶). با توجه به بررسی‌های انجام شده اکثر تشبیهات رودکی؛ بدیع و دور از ابتذال است و غرابت خاصی دارد.

ساختار تشبیهات رودکی از نوع بلیغ اضافی و غیر اضافی است که در اشعارش فراوان به کار رفته است:

در دل ما شاخ مهربانی بنشا نیست دل نه به بازی زمهر خواسته بر کند
(ب ۱۵۲)

به خوشدلی گذران بعد از اینکه باد اجل درخت عمر بد اندیش را ز پا افگند
(ب ۱۶۶)

صرصر هجر تو ای سرو بلند ریشه عمر من از بیخ بکند
(ب ۱۷۱)

سیرت او تخم کشت و نعمت او آب خاطر مداح او زمین برومند
(ب ۱۵۵)

از نکات مهم دیگر تشبیه در اشعار رودکی این است که مشبه و مشبه‌به کاملاً با هم شباهت دارند، طوری که انسان به شک می‌افتد که شاید مشبه همان مشبه‌به باشد. این قبیل تشبیهات با ادات انگار، گویا، گفتی، پنداری، بینی و «یا» می‌آیند (فرشیدورد، ۱۳۷۳، ص ۴۹۲).

بیار آن می که پنداری روان یاقوت نابستی و یا چون بر کشیده تیغ پیش آفتابستی
به پاکی گویی اندر جام مانند گلابستی به خوشی گویی اندر دیده بی خواب خوابستی
(ب ۴-۵۰۳)

به هر شکل، تشبیهاتی که در اشعار رودکی به کار رفته، می‌تواند در زمینه‌های مختلف قابل بحث و بررسی قرار گیرد. ان شاء... در فرصتی مقتضی به آن خواهیم پرداخت، لیکن در باره انواع تشبیه به جهت بهره‌وری بیشتر خوانندگان نمونه‌هایی ذکر می‌گردد.

انواع تشبیهات:

مطلق: این نوع تشبیه در سروده‌های رودکی کمتر به کار رفته است و در عین سادگی و روانی تصویر، در بعضی از ابیات، با اسناد مجازی (استعاره مکنیه) گره خورده است:
آن ابر بین که گرید چو مرد سوگوار و آن رعد بین که نالد چو عاشق کئیب
(ص ۴۹۲)

تشبیه جمع: این نوع تشبیه در اشعار رودکی قابل توجه است، ساده و روان و در عین حال صمیمی است در بیت زیر امری عقلی به امری حسی تشبیه گردیده است:

دانش اندر دل، چراغ روشن است و زهمه بد، بر تن تو جوشن است
(ب ۸۶۰)

باد^{۱۱} و ابر است این جهان فسوس باده پیش آر هر چه بادا باد
(ب ۱۰۷)

سرو بود یم چند گاه بلند کوژ گشتیم و چون درونه شدیم
(ب ۷۵۱)

(قالب رودکی به سرو و درونه (کمان) تشبیه شده است.)

در بعضی از ابیات پیچدگی خاصی دیده می‌شود، به طوری که دیر به ذهن می‌رسد:
چو برگ لاله بوده ام و اکنون چون سیب پژمریده بر آونگم
(ب ۷۵۰)

- تشبیه جمع گاهی به تفضیل ختم می‌شود:

بر رخس زلف عاشقست چو من لا جرم همچو منش نیست قرار
(ب ۲۵۰)

بیار آن می که پنداری روان یاقوت نابستی و یا چون برکشیده تیغ پیش آفتابستی
به پاکی گویی اندر جام مانند گلا بستی به خوشی گویی اندر دیده بی خواب، خوابستی
(ب ۴-۵۰۳)

گاهی مشبه به در تشبیه جمع تنسیق الصفات ایجاد می‌کند. البته، شمیسا این شکل از تشبیه؛ یعنی استمرار مشبه به‌ها را تشبیه حماسی (epic) می‌خواند (شمیسا، ۱۳۷۱، ص ۱۲۵).

مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود نبود دندان لابل چراغ تابان بود
سپید سیم زده بود و در و مرجان بود ستاره سحری بود و قطره باران بود
(ب ۱۸۸-۱۸۹)

چنانکه ملاحظه کردید، مشبه‌به‌ها متعدد است، و از جمله ویژگی‌های تشبیه در اشعار رودکی محسوب می‌شود.

تشبیه تسویه:

این نوع تشبیه در اشعار رودکی نسبت کمتری دارد، ولی طبیعی‌تر به نظر می‌رسد، رنگ و بوی طبیعت در آن موج می‌زند و خواننده احساس می‌کند که در صحنه حضور دارد و اجزای طبیعت را حس می‌کند. در این بیت رودکی رسته بادام (مشبه اول) و رسته سرو (مشبه دوم) را به قطار اشتران در آبشخور (مشبه‌به) تشبیه نموده است.

برکنار جوی بینم رسته بادام و سرو راست پندارم قطار اشتران آبراه
(ب ۴۸۷)

در بیت زیر چنانکه ملاحظه می‌کنید، باغ و بر زن و کوی به پرنیان تشبیه شده است:
آمد این نوبهار تو به شکن پرنیان گشت باغ و برزن و کوی
(ب ۴۸۸)

و یا:

ریگ آموی و درشتی راه او زیر پایم پرنیان آید همی
(ب ۵۳۵)

و یا:

بخت و دولت چو پیشکار تواند نصرت و فتح پیشتاز تو باد
(ب ۶۸۸)

تشبیه مفروق:

این نوع تشبیه در اشعار رودکی مثل تشبیه جمع درخور توجه است و از کاربرد نسبتاً بیشتری برخوردار است. از آنجایی که اشعار رودکی به طور پراکنده از منابع گوناگون جمع‌آوری شده، لذا اکثر اشعار او دارای آغاز و انجام نامشخص است و مقطّع؛ و گاهی ارتباط با هم ندارند. تشبیهات موجود در آن نیز به هر شکلی قابل تعبیر است و ارتباط اساسی در ظاهر با هم ندارند. به عنوان نمونه، بیت ۴۸۷ با ۴۸۸ در دیوان رودکی هیچ

ارتباط خاصی باهم ندارند، آنچه مشخص است، اینکه بیت اول در وصف پیری است که با پشت خمیده و سر تاس و بی‌مو و چهره‌ای مثل رود نیل کبود است، و بیت دوم در کنار جوی می‌نشیند و درختان بادام و سرو را مثل قطار شتران می‌بیند (شاید مقصود رودکی وصف پیری و گذر عمر در کنار جویبار باشد). از این نمونه در دیوان او کم نیست. برای مثال، بیت زیر از جمله ابیاتی است که در انتساب آن به رودکی شک نیست، ولی مشبه آن نامشخص و تشبیه از نوع جمع است:

چون گل سرخ از میان پیلگوش یا چو زرین گوشوار از خوب گوش
(ب ۹۰۶)

به علت ابتر بودن مشبه آن معلوم نیست. می‌توان چنین توجیه کرد که گل سرخ... میان پیلگوش (سوسن آزاد) مثل گوشوار طلایی در گوش خوبروی است؛ و یا آن، مثل گل سرخ در میان پیلگوش و مثل گوشواره طلایی است؟ که هر دو شکل آن قابل توجیه است و این از نوادر تشبیه است که هم به شکل مرکب و هم جمع خوانده می‌شود: بیت ذیل نمونه کامل تشبیه مفروق است.

پشت کوژ و سر توپل و روی به کردار نیل ساق چو سوهان و دندان بر مثال استره
(ب ۴۸۷)

زمانه اسب و، تو رایض؛ برای خویش تاز زمانه گوی و، تو چوگان؛ برای خویش باز
(ب ۲۰۴)

(زمانه و تو مشبه، و اسب و رایض و گوی و چوگان، در این بیت مشبه‌به است.)

یا بیت:

مار است این جهان و، جهان جو مارگیر از مارگیر مار، برآرد همی دمار
(ب ۲۶۸)

گاهی تشبیه مفروق، عقلی و بر پایه اساطیر استوار است:

همچو معماست فخرزو، همت او شرح همچو اوستاست فضل و، سیرت او زند
(ب ۵۳)

در بیت‌هایی هم تشبیه مفروق به حالت معما و پرسش بیان می‌شود:

آن چیست بر آن طبق همی تابد؟
چون ملحم زیر شعر عنابی
ساقش به مثل، چو ساعد حورا
پایش به مثل چو پای مرغابی
(ب ۱-۵۰۰)

نمونه ساده از تشبیه مفروق:

جمله صید این جهانیم ای پسر!
ما چو صعوه، مرگ برسان زغن
(ب ۳۵۵)

تشبیه تفضیل:

رودکی یک شاعر مداح است. در جایگاه مدح باید چیزی بگوید که ممدوح را خوش آید. از آنجایی که مهارت او در مداحی بر کسی پوشیده نیست، لذا در قالب تشبیه تفضیل، ممدوحش را بالاتر از چهره‌های برجسته تاریخی یا اسطوره‌ای معرفی می‌کند. این روند در قرون بعد ادامه می‌یابد تا جایی که از انوری ابیوردی نمونه‌های زیادی را می‌بینیم که ترک ادب شرعی کرده، ممدوحش را خدا و پیامبر و ائمه می‌خواند (ر. ک. انوری، ۱۲۶۴: قصیده‌های ۱۱ و ۲۲).

حاتم طایی تویی اندر سخا
رستم دستان تویی اندر نبرد
نی که حاتم نیست باجود تو راد
نی که رستم نیست در چنگ تو مرد
(ب ۱-۱۲۰)

نکته قابل توجه اینکه در ساختار تشبیه فوق، تشبیه جمع نیز وجود دارد. رودکی نصرین احمد را یک بار به حاتم و بار دیگری به رستم دستان تشبیه کرده است. و یا:

ببرده نرگس تو، آب جادوی بابل
گشاده غنچه تو، باب معجز موسی
(چشم خمارین تو آبروی جادوی بابل را برده و لب‌های غنچه گونه تو، مثل معجزه موسی است.)

چون ماه همی جست شب عید همه خلق
من روی تو جستم، که مرا شاهی و ماهی
مه گاه بر افزون بود، گاه رو به کاهش
دایم تو بر افزون بوی و، هیچ نکاهی
(ب ۵۹۹-۵۶۰)

در ابیات فوق علاوه بر تفضیل، تشبیه جمع (شاهی و ماهی) وجود دارد.
- گاهی تشبیه تفضیل در قالب مشروط بیان می‌شود. شب عاشق مثل لیل‌القدر است،
وقتی که از رخت جلیباب را کنار بگذاری.

شب عاشقت، لیلۃ القدرست چون تو بیرون کنی رخ از جلیب
(ب ۵۶)

در بیت زیر نوعی تفضیل هم دیده می‌شود. شاعر پوشیده (تشبیه مضمّر) یارش را از
خورشید برتر دانسته است؛ ضمناً در بیت زیر دو لاله استعاره مصرّعه از چهره یار است.

به حجاب اندرون شود خورشید گر تو برداری از دولاله حجیب
(ب ۵۷)

شمیسا تشبیه تفضیل را در حقیقت گاهی همان تشبیه مشروط دانسته و تشبیه
مشروط را تشبیه تفضیل و بین آنها از لحاظ معنی فرقی قایل نیست (شمیسا، ۱۳۷۱،
صص ۱۲۴، ۱۳۷).

البته، در اشعار رودکی گاهی تشبیه مشروط با تفضیل همراه است. برای نمونه، بیت
زیر را می‌توان نقل کرد:

وآن زنخدان به سیب ماند راست اگر از مشک خال دارد و سیب
(ب ۵۸)

به سرو، ماند اگر سرو لاله دار بود به مورد ماند، اگر مورد روید از نسیرین
(ب ۷۷۰)

چون روز علم زند به نامت ماند چون یک شبه شد ماه به جامت ماند
(ب ۵۹۱)

تشبیه مضمّر:

این نوع تشبیه در اشعار رودکی نسبتاً دیده می‌شود و چون آغاز شعر دری است، علاوه
بر اینکه از زیبایی خاصی برخوردار است، ساده و روان است. شاعر در بیت زیر چهره
یارش را به شمع تشبیه نمود:

چو عارض بر فروزی می بسوزی چو من پروانه بر گردت هزارا
(ب ۱۱)

پس چرا بسته ی اویم همه عمر اگر آن زلف دو تا نیست کمند
(ب ۱۷۲)

هر که نامخت از گذشت روزگار نیز ناموزد زهیچ آموزگار
(ب ۸۲۶)

(روزگار مثل آموزگار است.)

تشبیه مضمّر در قالب استفهام و تجاهل العارف بیان می‌شود:

سرو است آن یا بالا؟ ماه است آن یا روی؟ زلف است آن یا چوگان؟ خال است آن یا گوی؟
(ب ۸۲۱)

تشبیه تلمیحی:

تذکره‌نویسان در شرح و احوال رودکی نوشته‌اند که وی در سن هشت سالگی قرآن را از بر بود (صفا، ج ۱، ۲۵۳۶، ۱۳۸). با بررسی‌هایی که از این تعداد اشعار رودکی به عمل آمده، مشخص شده است که تأثیرپذیری وی از آیات و احادیث با توجه به معلومات وی کمتر بوده است. بدین منظور، تلمیحات در اشعار او بسیار کم است و بندرت دیده می‌شود. وقتی در تشبیهات رودکی تأمل کنیم، رنگ اقتباس چندان دیده نمی‌شود؛ هر چند محقق ارجمند در کتاب رودکی اشاره داشته‌اند که رودکی برخی این تصویرها را از شعر شاعران فارسی زبان و یا عرب زبان پیش از خود گرفته باشد (احمدنژاد، ۱۳۷۵: ۳۱) که البته شواهد مثالی را اشاره نفرموده‌اند. به هر شکل از آنجایی که مهارت و تسلط او در پهنه شعر فارسی ستودنی و خلاقیت و حافظه قوی رودکی غیر قابل انکار است، به نظر می‌رسد که بیشتر از طبیعت متأثر شدند و از چیزهای دیگر اقتباس چندان نکردند. به عنوان نمونه، ابیات ذیل را می‌توان نمونه‌هایی کمرنگ از اقتباس او دانست:

یوسف رویی، کز فغان کرد دلم چون دست زنان مصر یان کرد دلم
ز آغاز به بوسه مهربان کرد دلم امروز، نشانه غمان کرد دلم
(ب ۱۱-۶۱۰)

به حسن صوت چو بلبل مقید نظمم به جرم حسن چو یوسف اسیر زندان
(ب ۵۴۳)

گاهی در تشبیهات تلمیحی، اسطوره‌های ایرانی دیده می‌شود. در دوره سامانیان و چغانیان شاعران با توجه به مردم، نگاه ویژه به اسطوره داشتند. برای نمونه، رودکی ممدوح خود را به سام سواری تشبیه کرد و این نوعی احترام نسبت به عناصر اسطوره بود؛ یعنی مشبه به اسطوره است؛ هر چند دانستن و فهم «تشبیه تلمیحی منوط به کنجکاوای در علم الاساطیر است» (شمیسا، ۱۳۷۱، ۲۲۰) و بحث درباره آن از حوصله این مقاله خارج است. به هر حال، «اسطوره هم یکی از ابزار مخیل کردن کلام و ادای معنای واحد بر طرق مختلف است (همان، ص ۲۲۱).

سام سواری که تا ستاره بتابد اسب نبیند چنین سوار، به میدان
تشبیه حماسی:

تشبیه حماسی؛ فرنگیان به آن Epic Simile می‌گویند و آن را از مختصات آثار حماسی ذکر کرده‌اند؛ تشبیهی است که برخلاف تشبیهات معمولی که موجز است، گسترده باشد و مثلاً فقط حال مشبه را بیان نکند، بلکه مفصلاً به توصیف مشبه به هم پردازد (شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۲۵ - ۱۳۷).

در دیوان رودکی فقط دو قصیده با عناوین «مادر می را بکرد باید قربان» و «مرا بسود و فرو ریخت هرچه دندان بود» طولانی است. در این دو قصیده تشبیه حماسی دیده می‌شود. در قصیده «مادر می» آنجایی که رودکی به وصف ابو جعفر می‌پردازد، نمونه تشبیه حماسی را می‌بینیم.

شادی بوجعفر احمد بن محمد آن مه آزادگان و مفخر ایران
مشبه، ممدوح شاعراست و مشبه‌به‌های آن؛ مه آزادگان (۳۹۴) / آفتاب زمانه (۳۹۵) / سقراط افلاطون (۴۰۲) / سام سوار (۴۱۰) و... این نوع تشبیه حماسی را می‌توان تشبیه جمع طولانی خواند.

تشبیه مرکب:

در اشعار رودکی تشبیه مرکب فراوان دیده می‌شود؛ چنانکه وی تابلویی زیبا و طبیعی در برابر دید خوانندگان به نمایش می‌گذارد:

خورشید را ز ابر دمسد روی کارگاه چونان حصاری، که گذردارد از رقیب
(ب ۴۹۲)

این بیت، تصویر زیبای خورشید را هنگام طلوع نشان می‌دهد و یادآور شعری از شاعر قرن پنجم - که به شاعر طبیعت معروف است - می‌اندازد که سروده:

سر از البرز برزد قرص خورشید چو خون آلوده دزدی سر زممکن
(دیوان منوچهری، ب ۱۸۴)

نمونه‌ای دیگر از دیوان رودکی:

ور به بلور اندرون بینی گویی گوهر سرخست به کف موسی عمران
(ب ۳۷۵)

در قصیده «مادرمی» که وصف شراب است، آورده که شراب در داخل ظرف بلورین مثل گوهر سرخ است که در دست موسی بن عمران باشد. نکته قابل توجه درباره این بیت، این است که تشبیه مرکب از نوع تلمیحی است.

گاهی هم تشبیه مرکب از نوع مشروط است. در بعضی از تشبیهات مشروط حرف شرط به قول صاحب المعجم ذکر می‌شود. المعجم شرط تشبیه مشروط را ذکر حروف شرط می‌داند (ص ۳۰۸، سطر ۱۳).

دشمن ار اژدهاست پیش سنانش گردد چون موم پیش آتش سوزان
(ب ۴۱۶)

نمونه‌هایی از تشبیه تلمیحی مرکب:

ای عاشق دل داده بدین جای سپنجی همچون شمنی، شیفته بر صورت فرخار
(ب ۲۶۹)

در تشبیه مرکب گاهی از ضرب‌المثل استفاده می‌شود که آن را به عنوان تشبیه تمثیلی می‌شناسند (شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۰۶).

آن خجش زگردنش در آویخته گویی خیکیست پر از باد، درو ریخته از بار
(ب ۲۶۹)

گاهی مشبه و مشبه‌به مرکب در مصرع اول و بخشی از تصاویر مشبه در مصرع دوم
ذکر می‌گردد.

که باز، شانه کند همچو باد سنبل را به نیش چنگل خون ریز تارک عصفور
(ب ۲۷۷)

مثال دیگر:

بنفشهای طری، خیل خیل بر سر کوه چو آتشی که به گوگرد بر دوید کبود
(ب ۱۸۶)

با بررسی‌های به عمل آمده می‌توان نتیجه گرفت که اشعار رودکی به صور خیال
آراسته شده و یکی از جاودانگی رودکی همین است. علاوه بر تشبیه که هنوز جای
بحث و کنجکاوای دارد، جنبه‌های دیگر بلاغی، از جمله استعاره مجاز و کنایه قابل
بحث و بررسی است. جا دارد پژوهشگران و محققان ارجمند برای شناساندن مهارت و
قدرت رودکی در کاربرد علوم و فنون ادبی به خوانندگان عزیز، تحقیقات جامعتری را
به تشنگان وادی معرفت علم و ادب ارائه دهند.

پی‌نوشتها:

۱- غزل رودکی وار نیکو بود غزل‌های من رودکی وار نیست
اگر چه بکوشم به باریک وهم بدین پرده اندر مرا بار نیست
(عنصری، ۱۳۶۲: ۱۴)

۲- یاد یار مهربان، ص ۱۲۰.

۳- صفا، ۲۵۳۶: ۳۷۲.

۴- صور خیال (۱۳۷۰) اثر شفیع کدکنی، مبحث رودکی، ص ۴۱۴ [نیز ر.ک. محجوب، بی‌تا:
۲۸].

۵- تگرگ

۶- حلوا

۷- عطسه

۸- طاس، بی‌مو.

۹- سعدی ماه دو هفته را در قالب ترکیبات استعاری به کار برده:

آن ماه دو هفته در نقابست یا حوری دست در خضابست
(کلیات سعدی: ۴۳۰، غزل ۵۲ط)

۱۰- شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۱۶.

۱۱- اگر نظر دکتر خطیب رهبر را در باب واو که در معنی حرف اضافه و مقابله گرفتند، بپذیریم، در این صورت تشبیه جمع نخواهد بود (دستور زبان فارسی، ص ۴۸).

منابع:

- ۱- احمدنژاد، کامل. (۱۳۷۲). رودکی، تهران: آینه.
- ۲- انوری. (۱۳۶۴). دیوان قصاید، تصحیح مدرس رضوی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ۳- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۷۰). اسرار البلاغه، ترجمه دکتر جلیل تجلیل، تهران: چاپ اول.
- ۴- خطیب رهبر، خلیل. (۱۳۶۷). دستور زبان فارسی کتاب حروف اضافه و رابطه، تهران: انتشارات سعدی، چاپ دوم.
- ۵- دهباشی، علی. (۱۳۸۵). یاد یار مهربان، (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات صدای معاصر.
- ۶- رازی، شمس قیس. (۱۳۷۳). المعجم، به اهتمام شمیسا، تهران: انتشارات فردوسی.
- ۷- زرین کوب. عبدالحسین. (۲۵۳۶). شعر بی نقاب و بی دروغ، تهران: انتشارات جاویدان، چاپ سوم.
- ۸- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۱). بیان، تهران: فردوس.
- ۹- ----- (۱۳۷۳). سبک‌شناسی (۲)، تهران: انتشارات پیام‌نور، چاپ دوم.

- ۱۰- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: انتشارات آگاه، چاپ چهارم.
- ۱۱- صفا، ذبیح الله. (۲۵۳۶). *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
- ۱۲- عراقی همدانی، فخرالدین. (۱۳۸۲). *دیوان*، تصحیح اسماعیل شاهرودی، تهران: انتشارات فخر رازی، چاپ چهارم.
- ۱۳- عنصری. (۱۳۶۲). *دیوان*، تصحیح دکتر دبیر سیاقی، تهران: انتشارات منوچهری.
- ۱۴- فروغی، محمدعلی. (۱۳۶۲). *کلیات سعدی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
- ۱۵- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۳). *درباره ادبیات و نقد ادبی*، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- ۱۶- کزازی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۷۵). *بیان*، تهران: انتشارات مرکز، چاپ پنجم.
- ۱۷- محجوب، محمدجعفر. (بی‌تا). *سبک خراسانی در شعر فارسی*، تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۸- منوچهری دامغانی. (۱۳۷۹). *دیوان*، به اهتمام دکتر دبیر سیاقی، تهران: نشر زوار، چاپ سوم.
- ۱۹- نظامی عروضی سمرقندی، احمد. (۱۳۲۷). *چهار مقاله*، تصحیح محمد قزوینی، تهران: انتشارات مروی، چاپ دوم.
- ۲۰- نفیسی، سعید. (۱۳۸۲). *محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی*، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.